این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

افراط و تفریط در امور معنوی شکننده خواهد بود

آیت‌الله محمد باقر تحریری(ره):
انسان برای تدبیر امور دنیایی خویش، چاره‌ای از اختلاط و ارتباط با افراد مختلف ندارد، چراکه این لازمه خلقت اجتماعی انسان است، اما مهم این است که انسان طالب آخرت در تمام امور مادی و معنوی خویش، مبنا داشته باشد و برای یک سیر طولانی - هر چند در زمان اندک - مدیریت و برنامه‌ریزی داشته باشد و همه جوانب گوناگون و آفات مختلف و محرک‌ها و مشوق‌های سیر را در نظر بگیرد تا آمادگی برای هر پیشامد تلخ و شیرین را داشته باشد. در غیر این صورت هر زمان به رنگی در خواهد آمد و قوت تشخیص و بینش نخواهد داشت. در حال و هوای معنوی و جو روحانی که قرار می‌گیرد بسیار با معنویت می‌شود و شور و شوقی برای طلب دامن‌گیرش می‌شود، اما همین که در فضای دنیا و تدبیر و اختلاط قرار گرفت، گویی همه آن حالات خوش به باد رفته و خود را می‌بازد. این افراط و تفریط در امور معنوی بسیار شکننده خواهد بود.
منبع: کانال تلگرامی «صراط مستقیم»

عاشورا یعنی آغاز امر به معروف و نهی از منکر از طبقات بالا

یک کانال تلگرامی بخشی از بیانات علامه حکیمی(ره) را به استناد صفحه ۱۸۶ کتاب «الحیاه گزارشی درباره جلد سوم تا شش به ضمیمه عاشورا مظلومیتی مضاعف» به اشتراک گذاشت. در این بخش از کتاب می‌خوانیم: بنا بر منطق عاشورا امر به معروف و نهی از منکر، باید از بالاترین طبقات شروع شود تا فساد از ریشه برافتد و توانگرانی که قرآن می‌فرماید مایه فسادند (مفسد فی الارضند) و به هیچ‌گونه در برابر اصلاحات تسلیم نمی‌شوند - حتی در خود پیکره دولت تکلیف‌شان با قرآن و عاشورا معلوم شود، جامعه عاشورا جامعه حسینی است نه یزیدی.

چیدمان تالار برلیان براساس اثری از استاد ابوالحسن ثالث

محمد کلهر در توئیتی با انتشار تصویر فوق نوشت: یک نقاشی ۱۴۰ ساله (اثر ابوالحسن ثالث) در کاخ گلستان وجود دارد که جزئیات چیدمان تالار برلیان به استناد آن انجام گرفته است. اکنون می‌توان گفت غیر از قفس روی میز، تقریباً بقیه اشیای موجود و سر جای خود هستند.

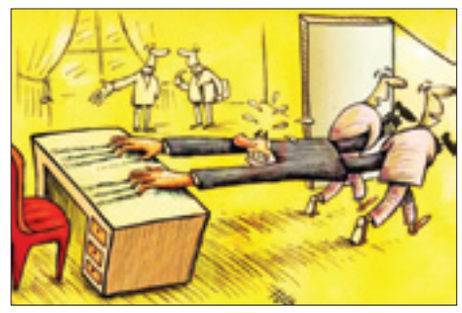

میز مسئولیت، میز ارتقا نیست

فاطمه رایگانی در توئیتی نوشت: برخی از کسانی که اخیراً مدیر شدن به اون میز به چشم یه پله برای پست بالاتر نگاه می‌کنن و همه امکانات و ظرفیت‌های اونجا رو برای رشد خودشون به کار می‌گیرن و تمرکزشون روی رسیدن به جای بعدیه نه مسائل جای فعلی. درنتیجه منابع برای پرکردن رزومه‌های پوشالی تموم می‌شه، اما مسئله‌ای حل نمی‌شه.

مهارت کلامی را یاد بگیریم

یکی از فعالان فضای مجازی با نام «آقای روانشناس» نوشت: یکی از بزرگ‌ترین مشکلات زوجین نداشتن مهارت ارتباطی و کلامی است. اکثر زن و شوهرها بلد نیستند چه جوری با هم حرف بزنند؛ مثلاً شما می‌تونید به جای اینکه به همسرتون بگید: «من مخالفم» بگید: «ممکنه حرف شما درست باشه، اما من نظر دیگه‌ای دارم» این طرز صحبت بیشتر روی همسر شما تأثیر می‌گذارد و او را ترغیب می‌کند به نظر شما توجه بیشتری کند. مهارت کلامی و طریقه ارتباط مؤثر تأثیر بسیاری در روابط شما دارد.

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به انتشار خبر تبادل زندانیان میان ایران و امریکا

مذاکره را یاد بگیرید!

انتشار خبری در خصوص تبادل زندانیان میان ایران و امریکا با واکنش‌های بسیاری در شبکه‌های اجتماعی همراه بود. کاربران بیش از متن خبر به تحلیل فرامتن آن پرداختند. کاربران بسیاری این توافق را نشانه‌ای از مدل موفق دیپلماسی در دولت سیزدهم دانستند. مدلی که کار را بدون هیاهو و بدون پیوند زدن تمامی مشکلات داخلی به نتیجه مذاکره جلو می‌برد. همچنین نحوه اخذ تضمین نیز در این توافق برای مخاطبان قابل توجه بود. برخی از کاربران نیز انتشار روایت اول از این توافق را از سوی رسانه‌هایی امریکایی نقد کردند و این را ضعفی برای اطلاع‌رسانی نتیجه کار دانستند. کاربران خطاب به منتقدان دولت سیزدهم که پیش‌تر این دولت را به ندانستن زبان دنیا متهم کرده بودند گفتند که حالا مذاکره کردن را بیاموزند. در ادامه بخش‌های از واکنش‌های کاربران را مرور کرده‌ایم.

■ **علی باقری:**
فرآیند آزادسازی چند میلیارد دلار از دارایی‌های ایران که چند سال است به‌طور غیرقانونی از سوی امریکا توقیف شده، آغاز شد. ایران تضمین لازم برای پایبندی امریکا به تعهدات خود را دریافت کرده‌است. آزادی چند ایرانی که به‌طور غیرقانونی در امریکا بازداشت شده بودند در این چارچوب است.

■ **صفحه خبری «نورنیوز»:**
جمهوری اسلامی ایران ماه‌هاست که به‌دلایل بشردوستانه، گفت‌وگوهای غیر مستقیم برای تبادل زندانیان میان ایران و امریکا را آغاز کرد. این مذاکرات با رویکرد سیاسی امریکا و گره زدن موضوعات غیر مرتبط بسیار طولانی شد، اما اکنون شرایط در حال تغییر است.

■ **علی نادری:**
ثمره مذاکرات بدون هیاهو، رسیدن به توافق با تضمینات لازم است. مذاکره می‌تواند «مسیری» باشد از دهها مسیر موجود، برای رسیدن به منافع کشور یا اینکه مذاکره خودش موضوعیت پیدا کند و «هدفی» بشود برندینگ شخصی در محافل داخلی. به نظرم باقری مسیر اول را انتخاب کرده.

■ **محمد نسیمی:**
فرامتن قابل تامل توافق و تبادل با امریکا؛ خنجری هست که اپوزیسیون در سالگرد ز. ز. آ از قبله آمالش خورد و دچار شکست عشقی شد و واشنگتن نهایتاً با تهران تنظیم شد/ آزادسازی بیشتر از ۱۰ میلیارد دلار بدون برجام و FATF و... یعنی دولت دکترای زبان دنیا داره.

■ **احمد روستایی:**
اگر توافق قطعی باشد باید یک دست‌مریزاد به دولت سیزدهم گفت. اینکه در یک فرآیند آرام کار را جلو بردند و از مشکلات گوشت مرغ تا جان آدمیزاد را به آن پیوند نزدند، یعنی نمونه‌ای موفق در مدیریت فرامتن دیپلماسی. قابل تقدیر است.

■ **محمدامین میرزایی:**
تبادل زندانیان ایران و امریکا و آزادسازی منابع ارزی ایران در عراق و کره‌جنوبی از دو منظر دارای اهمیت است. اول اینکه ایران توانست در یک ماراتن خواسته خود را بر امریکا تحمیل کند و دوم اینکه امریکا در سالگرد اغتشاشات به براندازان پشت کرد و نشان داد متوجه شکست براندازان شده.

■ **علیرضا کریمی:**
در حالی که براندازان و ایادی آنها در حال رویاپردازی درباره سالمرگ مهسا امینی هستند، نیویورک تایمز از توافق تهران و واشنگتن برای تبادل زندانیان و آزادسازی منابع بلوکه‌شده ایران خبر داده و برخی منابع ایرانی نیز احتمال تبادل را تأیید کرده‌اند. خبر معناداری است.

■ **فاطمه سادات فردوس:**
چندین ماه مذاکره بی‌هیاهو؛ رفت و آمدها به عمان و قطر و... و امروز خبر توافق نهایی ایران و امریکا و مبادله پنج زندانی و آزادشدن منابع مالی ما در کره و عراق! زندانی‌ها در محلی غیر از زندان هستن و تا مبالغ واریز نشه تبادل انجام نمی‌شه! تضمین به دلارای نقد کره میگن نه امضای نسیه کری!

■ **عبدالله گنجی:**
رسانه‌های امریکا خبر از تبادل زندانی بین ایران و امریکا و آزادی منابع ایران می‌دهند. بلافاصله خبر دوم می‌دهند که از زندان خارج و به هتلی منتقل شدند. مردم ایران دارند روایت اول را از دشمن می‌شنوند جالب نیست؟ البته این آسیب غمبار بوده و خواهد بود. #روایت_اول

در فضیلت به‌موقع کناره گرفتن

علی زمانیان در کانال تلگرامی خود نوشت:
یکی از موضوعاتی که گاه به نحو روزمره با آن روبه‌رو می‌شویم و اما کمتر در باب آن می‌اندیشیم، این است که چه‌وقت از کاری که به آن مشغولیم کناره‌جویی کنیم؟ چه‌وقت از یک رابطه که موجب نگرانی و رنج‌مان می‌شود، بیرون بیاییم؟ چه‌وقت پروژه‌ای را که در حال زیان‌دهی است، تعطیل کنیم و از آن کناره بگیریم؟ چه‌وقت گفت‌وگوی با دیگری را پایان دهیم یا میهمانی را ترک کنیم؟ چه‌وقت باید از صندلی قدرت و ریاست پایین بیاییم؟ وقت مناسب برای آنکه صحنه را به دیگران بسپاریم و رخت و بخت خویش را از آن بیرون کشیم، چه وقتی است؟ این وقت مناسب و به‌موقع کناره‌گیری از...؛ آیا معیار و محکی هم دارد؟ آیا می‌شود از قبل متوجه شد که وقتش فرارسیده است که باید کناره بگیریم و از موقعیتی که در آن قرار گرفته‌ایم بیرون بیاییم؟
وقتی به آنچه از سر گذرانده‌ایم و به مجموعه ضرر و زیان‌هایی که متحمل شده‌ایم و به رنج‌هایی که کشیده‌ایم نگاه می‌کنیم، به صرافت درمی‌یابیم که از یک جایی به بعد باید از کاری که می‌کرده‌ایم انصراف می‌دادیم و کناره می‌گرفتیم، اما چنین نکرده‌ایم و به همین علت دچار انواع خسارات و مشکلات شده‌ایم، به نحوی که آرزو می‌کنیم زمان برگردد تا به موقع کناره بگیریم و دامن خود را از مسئله برچینیم. اگر در عالم خیال از کسانی مانند قذافی و صدام حسین بپرسیم که اگر زنده می‌شدید، چه می‌کردید و آیا روندی را که در آن قرار داشتید ادامه می‌دادید، احتمالاً خواهند گفت، باید در فلان موقع مناسب از قدرت کناره می‌گرفتیم تا چنین تحقیر نمی‌شدیم و چنین به تباهی نمی‌رسیدیم. یک ورشکسته مالی نیز خواهد گفت کاش از بازی که هر چه بود باخت بود، به موقع کناره می‌گرفتم تا چنین آس و پاس نمی‌شدم.
یکی از نشانه‌های آشکار انسان خردمند این است که هوشیارانه می‌زید و نسبت به افت و خیزها حساسیت لازم را دارد. انسان خردمند می‌داند که زمانه همواره چنان نخواهد بود که او می‌پسندد و می‌خواهد. می‌داند آدمی در فراز و نشیب سود و زیان گام می‌نهد، از این‌رو متوجه است که یکی از لوازم مواجه شدن با ناپایداری این جهان، بیرون جهیدن از مردابی است که اگر تعلل کند، در آن مدفون خواهد شد. عقل عملی و حکمت انسانی حکم می‌کند پیش از آن که تمام سرمایه‌اش را در قمار ببازد، دست از قمار قدرت و ثروت بشوید و درست به موقع از بازی بیرون بیاید. چرخ گردون رحم ندارد، آنانی را که به‌موقع از آن پیاده نمی‌شوند، صورت‌شان را به‌سختی به سنگ واقعیت می‌کوبد و به ناگواری از گردونه، به ناکجاآباد پرتاب می‌کند.
«به‌موقع کناره‌گیری» از دو فضیلت سیراب می‌شود: ۱) عقلانیت و حکمت و ۲) تهذیب نفس و اخلاق.
به‌عبارتی دیگر، کناره‌گیری به‌موقع همزمان ناشی از فضیلت عقلانی و فضیلت اخلاقی است. گرچه اخلاق در «به‌موقع کناره‌گرفتن» نقش اساسی بازی می‌کند، اما نباید آن را صرفاً به امری اخلاقی و فردی تقلیل داد. از میان عوامل اخلاقی، «قناعت و بسندگی» در کانون، قرار دارد. حرص و طمع، مهم‌ترین مانع اخلاقی بیرون رفتن به موقع از روندی است که باید کنارش نهیم.
اما بیش از آنکه موضوع به اخلاق ارجاع داشته باشد به خردمندی و دانایی آدمی مربوط است. وقتی شخصی می‌داند که وقت ترک کردن موقعیت است، این «می‌داند» او بیش از هر چیزی، به عقلانیت و هوشمندی او معطوف است. به‌واقع در اینجا ما با نوعی محاسبه عقلانی روبه‌رو هستیم. سنجش و آزمودن و محاسبه دقیق سود و زیان می‌تواند به ما کمک کند که بفهمیم چه وقت، وقت مناسبی برای کناره جستن از قدرت است. اجمالاً می‌توان نتیجه گرفت که هرگاه زیان ماندن در موقعیت، بیش از سودش باشد، بهتر است ترک تعلق و پیوند نماییم و موقعیت را به دیگری واگذار کنیم.
یکی از ارکان فضیلت عقلانی در «به‌موقع کناره‌جویی»، مهار آرزواندیشی و توجه اکید به واقعیت‌هاست. «واقعیت»، سنگ ترازو و معیار سنجش فهم موقعیت ماست. «واقعیت» به منزله داور نهایی، باید سخن آخر را بزند و مشخص کند در چه موقعیتی قرار داریم. همواره باید به هوش بود که واقعیت چه پیامی برای ما مخابره می‌کند، اما عموم کسانی که می‌مانند تا زیر بار واقعیت‌های ستبر و تلخ خرد شوند، آنانی هستند بیش از آنکه واقعیت را ملاک فهم‌شان قرار دهند، آرزواندیشند و براساس خوشایندها و بدآیندهای خود عمل می‌کنند. چیزی که نمی‌توانند بپذیرند این است که واقعیت، اساساً و مطلقاً از آرزوی آدمی تبعیت نمی‌کند. بسیاری از کسانی که به سرنوشت هولناک و سیاهی دچار می‌شوند از آن‌رو است که درک از موقعیت‌شان متکی بر داده‌های واقعی نیست.
آنان که فاقد «فضیلت به‌موقع کناره‌گرفتن» هستند، بیش از هر علتی، سرنوشت خفت‌بارشان ثمره و نتیجه دو علت است: ۱) حرص و طمع و ۲) آرزواندیشی و چشم بستن بر واقعیت‌ها.

فقط نگران نباشیم

سیدمصطفی موسوی در توئیتی نوشت: شما هم از اینکه مسجدها از حضور جوان‌ها کمرنگ شده ناراحت هستید؟ خب ما در طول هفته چندبار مسجد میریم؟ نمیشه فقط ناراحت بود و غر زد و کاری نکرد. نه؟ بیاید هفته‌ای چندبار نمازها رو تو مسجد بخونیم! موقع اذان اگر کنار مسجد بودیم، نماز رو داخل مسجد بخونیم.

سؤالی که هر ایرانی باید از خود بپرسد

سینا کلهر در توئیتی نوشت: سؤالی که بر هر ایرانی واجب است هر روز از خود بپرسد: انگلیسی‌ها (به معنای کلی دولت استعماگر) سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن را به دست چه کسانی اجرا می‌کنند. تفرقه‌اندازان میان مردم با مردم، مردم با حکومت و دولت چه کسانی هستند؟

تلاش گوگل برای بهبود حریم شخصی

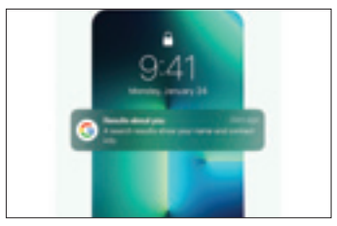

کانال تلگرامی «تک‌توب» خبر داد: گوگل قابلیت جدیدی برای بهبود حریم شخصی رونمایی کرده که به کاربران این امکان رو میده اطلاعات شخصیشون رو از نتایج سرچ گوگل پاک کنن و با استفاده از این قابلیت وقتی سایتی به هر دلیلی اطلاعات شخصی کاربر از جمله ایمیل و شماره موبایل اون رو عمومی کنه، گوگل به کاربر پیامی میده و کاربر در صورت تمایل میتونه برای اون صفحه از سایت که اطلاعات شخصی کاربر درشون قرار داره رو درخواست حذف از صفحه نتایج گوگل بده تا در صورت تأیید اون صفحه از نتایج حذف بشه. طبیعتاً با اینکار خود سایت و صفحه حذف نمیشن، بلکه صرفاً لینک‌های به اون صفحه از نتایج گوگل حذف میشن، بنابراین دیگه کسی از طریق جست‌وجوی گوگل نمی‌تونه به اون صفحه دسترسی پیدا کنه که امکان پیدا کردن این اطلاعات افشا شده رو سخت‌تر می‌کنه و قابلیت کاربردی برای بهبود حریم شخصی هست. این قابلیت در حال حاضر برای کاربران در امریکا عرضه شده و در آینده برای بقیه کشورها عرضه خواهد شد.

ازدواج را با هندوانه مقایسه نکنیم!

ریحانه نظیری‌راد، روانشناس نوشت: جملاتی چون ازدواج هندوانه سربسته است برای توجیه اشتباهاتی است که افراد در انتخاب‌هایشان مرتکب شده‌اند تا به این وسیله مسئولیت انتخاب‌های اشتباه خود را به گردن نگیرند و از زیر بار چنین مسئولیتی شانه خالی کنند. تا زمانی که فرار از پذیرش مسئولیت‌های انتخاب در کار باشد مشکلات ناشی از ازدواج چون بدبینی و سوءظن، دست بزن (خشونت)، اعتیاد، عدم تفاهم، دخالت‌های دیگران و طلاق‌های پی در پی و... تمامی نخواهد داشت. تمامی مشکلات مطرح شده، جز بحران‌ها و اتفاقات پیش‌بینی نشده در زندگی مشترک آینده به دست آوردن شناخت قابل پیشگیری است. اگر خشونت یکی از بدترین و دردناک‌ترین دلایل طلاق و اختلاف در خانواده‌ها باشد یک روزه، یک شبه و دقیقاً روز پس از ازدواج این آفت به جان خانواده نخواهد افتاد.
در مراجعان خود به کرات شاهد این خشونت قبل از ازدواج بوده‌ام و ایشان را نسبت به این موضوع آگاهی داده‌ام، اما ترجیح بیشتر این افراد بر آن است که این نشانه‌ها را کم‌اهمیت و ناچیز جلوه دهند و فقط کاری کنند و طوری رفتار کنند تا به فرآیند ازدواج و زندگی مشترک برسند به این امید که پس از ازدواج و با زیر یک سقف رفتن همه چیز تغییر می‌یابد و نسبت به قبل اوضاع بهتر خواهد شد. این دقیقاً همان نقطه‌ای است که در آینده‌ای نه چندان دور افراد از ازدواج ناامید شده و طلاق‌ها یکی پس از دیگری رخ خواهد داد و ازدواج هراسی روز به روز بیشتر خواهد شد، حتی اگر طلاق قانونی هم رخ ندهد شاهد طلاق‌های عاطفی خواهیم بود که پیامدها و عواقب آن اگر بیشتر از طلاق قانونی نباشد کمتر از آن نیست.

چرا مردم وارد بازی‌های جمع - صفر می‌شوند؟

حامد قدوسی در پستی تلگرامی نوشت: دنیای واقع پر است از مثال‌هایی که با اینکه موقعیت جمع - صفر است، ولی بازیگران در «تعادل» وارد آن می‌شوند: رقابت تسلیحاتی بین کشورها، رقابت بازاریابی یا جنگ قیمت بین شرکت‌ها، رقابت استخدام وکیل طلاق بین زوج‌ها، دینامیک بلندتر صحبت کردن در میهمانی‌های شلوغ، رقابت هزینه کمپین انتخاباتی بین سیاستمداران، رقابت تحقیق و توسعه برای برنده شدن در یک مناقصه با صرفاً یک برنده و الخ.
اولین درس نظریه بازی، یعنی بازی زندانی - که این روزها روایتی از آن در هر کتاب عامه پسندی پیدا می‌شود - همین موضوع مهم را توضیح می‌دهد: چرا مردم وارد بازی‌های جمع - صفر یا جمع - منفی می‌شوند؟ چون هر بازیگر به صورت انفرادی تمایل دارد که از استراتژی «عدم ورود» تخطی کند! در نتیجه در بازی‌های جمع - صفر، ممکن است سطح بالایی از رقابت یا فعالیت دیده شود، با اینکه به صورت پیش - از - وقوع، همه طرفین می‌دانند که دست آخر خروجی بازی امر مطلوبی برای کل جمع نیست. به زبان اقتصادی، در موقعیت‌های استراتژیک، خروجی کارا و خروجی تعادلی لزوماً روی هم نمی‌افتد. مثلاً در رقابت تسلیحاتی، یکی از کشورها تمایل دارد برتری تسلیحاتی نسبت به همسایه پیدا کند. چون این کشور این کار را می‌کند، کشور دوّم هم روی تسلیحات سرمایه‌گذاری می‌کند و رقابت بالا می‌گیرد. آخر سر هم طرفین هزینه هنگفتی خرج رقابت تسلیحاتی کرده‌اند و دوباره سر جای اول خود (به لحاظ برتری نسبت به رقیب) هستند. پول دادن به مدیران دارایی یا خرید فناوری برتر برای معامله‌گری در بازار سهام هم همین است: همه خودشان را به فناوری برتر مجهز می‌کنند ولی دست آخر بازده متوسط همه بازیگران، همان بازده منفعل بازار است منهای هزینه اضافه‌ای که به مدیر دارایی پرداخت کرده‌اند!
تئوری اقتصادی هم به ما می‌گوید که چرا مسئله جمع - صفر است و هم به خوبی می‌فهمیم چرا مردم وارد این بازی جمع می‌شوند و به مدیران دارایی دستمزد می‌دهند.

افغان یک هویت جعلی است

نجیب‌بارور در کانال تلگرامی خود نوشت: افغان یک هویت جعلی است که استعمار همچون فارسی‌زدایی در شبه قاره در سرزمین ما ساخت. فارسی‌زبانان افغانستان آن را نپذیرفته، در زمان تصویب قوانین در پارلمان به آن رأی ندادند. حکومت اشرف غنی احمدزی خلاف عرف حقوقی، کارکنان حکومت را مستلزم به دریافت شناسنامه‌های برقی کرده بود، با آن هم عده‌ای زیاد از مردم از گرفتن آن ابا کردند. از ایرانی‌ها خواهش می‌کنیم برای تاجیک‌ها و فارسی‌زبان‌ها افغان اطلاق نکنند، افغان یعنی پشتون و افغان یعنی طالبان، افغان یعنی اشرف افغان، یعنی میرویس افغان و احمدشاه درانی. ما افغان نیستیم.

بر طبق پنهان کاری و کتمان، مگو بر من / آ های! خواهش می‌کنم، افغان مگو بر من
این ظلمِ آبایی و من، بی‌ارتباط استیم / از مدرک جعلی و جباران مگو بر من
اما اگر دَنبال اصل و نسبتم هستی / جز از تبار حضرت انسان مگو بر من
من تاجکم، از آریانای کهنِ تاریخ / آواره و بدبخت و سرگردان مگو بر من
از سازه تعریف من جهل و جنون کم باد / چون کینه‌های تیغشان عریان مگو بر من
سیمای درویشانه‌ام از خانه‌ویرانی‌ست / بی‌خانمان استم، مگر بی‌نان مگو بر من
از لهجه در دری‌ام فهم معنی کن / ای همزبان، خود را فلان... بهمان مگو بر من
هم‌راوی و هم‌داستانِ تَلخ و شیرینیم / بی‌ریشه و بی‌اصل و بی‌بنیان مگو بر من
من فارسیوانم، خراسان‌زاده مغرور / آقا دوباره خواهشاً افغان مگو بر من

تصویر منتخب

غروب آفتاب با چشم‌اندازی از پل طبیعت، تهران زیبا
| از صفحه توئیتری سارا پویان